

بسم الله الرحمن الرحيم

حکم و فرمان، تنها از آن خداست!

(ترجمه)

عبدالفتاح برهان، رئیس شورای نظامی انتقالی سودان، در محفلی به مناسبت جشن ۶۵ سالگی ارتش/سپاه سودان تأکید کرد که قوت‌های نظامی کشورش توانائی حمایت از تحول حکومت دموکراتیک و حفاظت از اهداف بزرگ انقلاب را داراست. او اضافه کرد: «جشن نیروهای مسلح - که همه ساله در ۱۴ اگست/اوت فرا می‌رسد- امسال در حالی برگزار می‌گردد که سودان شبنه آینده، آمادگی مراسم نهایی امضای پیمانی را می‌گیرد که ایجادگر مرحله مهم و سرنوشت‌ساز در تاریخ سودان است. این مرحله پروسه انتقال را به دولت آزادی و عدالت تحقق بخشد.» برهان نیروهای نظامی را در حالی زنده باد گفت که آن‌ها از نخستین جشن سالگرد خود در سایه عهد جدید که مؤسس دموکراسی است، بزرگداشت نمودند. او تعهد سپرد که نیروهای نظامی تکیه‌گاه خواسته‌های مردم سودان باقی خواهند ماند.

واژگان و اصطلاحات؛ دموکراسی، دولت مستقل، عدالت و حمایت از اراده مردم سودان، در اصل مبادی خویش دارای معانی مشخص و معینی است، این‌ها کلمات مرتبط به یک باور و مبدا بوده که آن مبدا سرمایه‌داری با عقیده جدایی دین از زندگی است.

دموکراسی لغتاً از دو کلمه یعنی Demo و Cartos ترکیب شده و به معنی حاکمیت و سیادت مردم است، دموکراسی اصطلاح غربی است که مفهوم آن حکومت مردم، بالای مردم با قوانین بشری است، در این مبدا مردم دارای سیادت مطلق بوده، زمام امور خویش را بدست داشته، اراده خود را تمثیل و به خواست خود عملی می‌کنند، در پیشگاه قدرت غیر سؤال نمی‌شود، نظام‌ها و قوانین را خود انسان‌ها - به این اعتبار که صاحب سیادت‌اند- یا توسط نمایندگان که انتخاب می‌کنند می‌سازند و این نظام‌ها و قوانین بوسیله حکام و قضاتی که می‌گمارند تنفیذ می‌شود. ادعای دموکرات‌ها این است که در نظام دموکراسی مردم مصدر دولت و حکومت‌اند، حاکم قدرتش را از مردم اخذ می‌دارد، بنابر اصل مردم صاحب قدرت‌اند بوده اراده خویش را تمثیل و به خواست خود هرگونه که خواست مسیرش می‌دهد، هیچ کس بالای او حاکم نبوده و خود سید و آفاست، اوست که قوانین ساخته و به آن حکم نموده مطابق آن به پیش می‌رود و حاکم را تعیین می‌کند تا به نیابت از وی قوانین ساخته مردم را تطبیق کند.

با بررسی این معنی واضح می‌گردد که تطبیق دموکراسی در میدان واقعیت محال است، زیرا چگونگی اعتماد بالای نظر و یا فیصله مردم و یا هم انتخاب مسأله‌ای از سوی آن‌ها در حقیقت به معنای تکیه بر یک تصور غیر واقعی است، اعتماد بالای نظر و فیصله گروهی از مردم به اساس اینکه نظر اکثریت است غالباً اعتماد بالای نظر اقلیت است؛ زیرا نظر این اکثریت بیشتر از مجموع ۲۰٪ مردم نمی‌باشد؛ چون در مسئله واحد در برخی موارد نظریات به حدی گوناگون است که حد اکثر نظریات در آن مورد از ۱۵٪ مجموع مردم تجاوز نمی‌کند، این علاوه بر آن است که در بیش‌تری از آرا، احکام و راه‌حل‌ها نیاز است تا به خبرگان و متخصصین همان موضوع یا به رأی دقیق و درست مراجعه شود؛ امکان ندارد در هر مسئله حکم و فیصله به مردم سپرده شود؛ مثلاً آیا در تعیین یک برنامه نظامی و یا هم در ایجاد قوانین اقتصادی مانند تعیین میزان مالیات ... می‌شود به رأی عموم مردم مراجعه کرد؟ هرگز! و هم‌چنان امکان ندارد تا در قسمت ایجاد قوانین بالای مردم اعتماد صورت گیرد!

این است دموکراسی، نظریه خیالی که تطبیق آن در میدان واقعیت امکان پذیر نیست. غرب با رویکرد ایجاد روش‌های گوناگون حکومت‌داری تحت عنوان دموکراسی خود و دیگران را می‌فریبد، زیرا انسان در هر سطح و سویه‌ای که باشد از ایجاد نظامی کاملی که بتواند توسط آن رفتارها و روابطش را تنظیم نموده و در اشباع حاجاتش مطمئنانه به آن پناه ببرد عاجز است، این برای ما به عنوان مسلمان روشن‌تر از آفتاب وسط روز است.

دموکراسی بر اساس باور جدایی دین از زندگی بنا شده است، عقیده‌ای که ایدئولوژی سرمایه‌داری براساس آن بنا شده و آن عقیده‌ای حل وسط می‌باشد این طرز دید از ورای مبارزه میان ملوک و قیصرها و فلاسفه و مفکرین در اورپا و روسیه سر برون آورد، هنگامی که ملوک و قیصرها دین را وسیله استثمار و بهره‌برداری از مردم قرار داده، بر آنها ظلم نموده، خون آنها را به زعم این که نمایندگان خدا در روی زمین اند مکیدند، و رجال دین مردم را به سان چهارپایان می‌شماریدند، بنا براین جنگ‌های ویرانگری میان آنها و مردم عام پرباشد که از وسط آن فلاسفه و مفکرین برون آمد، که برخی وجود دین را در زندگی مطلقاً رد نموده و عده‌ای به آن اعتراف نموده ولی به جدایی آن از عرصه زندگی و حکومت و سیاست نظر دادند. از دل این مبارزه فکری حل وسط و جدایی دین از زندگی سر بدر آورد، که نتیجه طبیعی آن جدایی دین از دولت و سیاست است، در نتیجه این طرز تفکر باوری بوجود آمد که ایدئولوژی سرمایه‌داری بر آن استوار است، و این قاعده فکری است که همه افکار سرمایه‌داری بر آن بنا شده است، و بر اساس آن اتجاء فکری و طرز دید آن از زندگی تعیین شده، بر همین اساس به معالجه همه مشاغل زندگی پرداخته است، این قیادت فکری است که غرب آنرا حمل نموده و جهان را به سوی آن فرا می‌خواند.

این است حقیقت دموکراسی کفری که غرب کافر سرزمین‌های اسلامی را به سوی آن فرا می‌خواند، هیچ ارتباطی به اسلام از دور و نزدیک ندارد، با همه احکام اسلام در کلیات و جزئیات، در مصدر که از آن آمده، در عقیده‌ای که از آن سرچشمه گرفته، در اساسی که به آن استوار است و در افکار و نظام‌های که از آن بیرون آمده تناقض دارد. و برای آنانی که می‌خواهند بیشتر رأی و نظر اسلام را در مورد دموکراسی بدانند، مطالعه برخی کتب علماء را که در مورد بحث اسلامی مستنیر (روشن) نموده‌اند توصیه می‌نمایم مانند: "نظام اسلام" از شیخ تقی‌الدین النبهانی، "دموکراسی نظام کفر است؛ اخذ آن، تطبیق آن و دعوت به سوی آن حرام است" از شیخ عبدالقدیم زلوم و کتاب "دموکراسی و حکم اسلام پیرامون آن" اثر سیدحافظ صالح.

اسلام تشریح را فقط و فقط از جانب الله می‌پذیرد و بس، درحالیکه دموکراسی صلاحیت تشریح و قانون گذاری را به مردم داده است، که همین موضوع در ذات خوت کفر صریح است، اگرچه در کل دنیا معمول باشد، چقدر زشت و قبیح است که در سرزمین‌های اسلامی رواج یافته است، در حالیکه شریعتی در نزدما مسلمانان وجود دارد که هر گونه تشریح غیر از اسلام را به شکل قاطع تحریم نموده است، و مصادر اسلام را تنها از نفس آن قراردادده که در قرآن و سنت تمثیل گردیده است که یگانه مصدر تشریح می‌باشد؛ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است: «تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّةَ نَبِيِّهِ»

ترجمه: در میان شما دو امر را گذاشتم، در صورتی چنگ زدن به آن هرگز گمراه نخواهید شد؛ کتاب الله و سنت رسول وی.

الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَفُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ﴾ [انعام: ۶]

ترجمه: حکم و فرمان، تنها از آن خداست! حق را از باطل جدا می‌کند، و او بهترین جداکننده (حق از باطل) است.

همچنان اوتعالی فرموده است: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ﴾ [النساء: ۶۵]

ترجمه: به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند.

و در فرازی دیگری چنین فرموده است: ﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأعراف: ۵۴]

ترجمه: آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن اوست! پر برکت (و زوال ناپذیر) است خداوندی که پروردگار جهانیان است!

در اینجا لفظ " الْحُكْمُ " به معنی دلیل و برهان یا حکم شرع بوده که مراد از آن صدور اوامر و نواهی بر اعمال، و دادن صفات حسن و قبیح بر اشیا و افعال است. به تعبیر دیگر؛ حکم در این جا به معنی تشریح و قانون گذاری بوده و مقصد از آن پیش برد سلطه سیاسی نیست، و قطعاً به معنی جانب صاحب سلطه نمی باشد، در مورد ما مسلمانان صاحب " حُكْمُ " تنها الله سبحانه و تعالی بوده و اراده مردم هیچ دخلی در آن ندارد.

اگرچه برخی از احکام وضعی با بعضی از احکام شرع مؤافقت هم داشته باشد مانند: منع خیانت در مال عامه، یا گذاشتن مردم بر معتقداتشان؛ این ها احکام شرعی تعبیر نمی شود، چون به اساس اوامر و نواهی الله متعال وضع نشده است، واجب است که حکم شرعی به اساس خطاب شارع باشد و شارع تنها الله سبحانه و تعالی است نه دستگاه حاکم و مجلس نمایندگان، بنابر این اخذ دموکراسی، تطبیق آن و دعوت به آن برای مسلمانان به صورت قاطع حرام بوده؛ نظامی است که مصدر آن بشر بوده، و هیچ ارتباطی به وحی و دین ندارد. این است حقیقت دموکراسی؛ اگر فرزندان امت در ارتش ها و سپاهیان قربانی ها را در راه حمایت از دموکراسی بدل کنند؛ باید از الله بترسند و آن را مانند دور انداختن دانه، دور اندازند و حاملین دعوت را در سعی و تلاش برای اقامه خلافت و دولتی که احکام شریعت حنیف الهی را تطبیق می کند نصرت نمایند، و آن دولت خلافت راشده ثانی بر منهج نبوت است. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يَرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۶۰]

ترجمه: آیا ندیدی کسانی را که گمان می کنند به آنچه (از کتابهای آسمانی که) بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایمان آورده اند، ولی می خواهند برای داوری نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟! با اینکه به آنها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. اما شیطان می خواهد آنان را گمراه کند، و به بیراهه های دور دستی بیفکند.

نویسنده: استاد غادة عبد الجبار – أم أواب

مترجم: احمدقسیم راحل

۲۴ ذی الحجة ۱۴۴۰ هـ. ق. موافق به ۲۵ اگست ۲۰۱۹ م.